



حجه الله بیات



(۲)  
رفتاری  
الگوهای

# کربلا

حضور جدی زنان و مشارکت عینی و عملی آنان در این قیام جاویدان است. اگر برنامه جامع امام حسین علیه السلام را از مدینه تا مدینه ارزیابی کنیم، به دو مسیر از مدینه تا کربلا و از کربلا تا مدینه تقسیم می شود. مسیر اول را حسینیان با «شهادت» و مسیر دوم را زینبیان با «استقامت» به انجام رساندند.

شرکت زنان در کربلا از آن جهت که جایگاه رفیع این گروه را در تحولات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی به نمایش می گذارد، بسیار چشمگیر است. زنان سترگی چون زینب، ام کلثوم، رباب، عاتکه و... که همپای مردان زیباترین

## \* یادآوری:

در قسمت قبل به ویژگی الگویابی و الگوگیری انسان اشاره کردیم و یکی از خصیصه های حادثه عاشورا را الگوسازی و الگودهی به همه انسان ها دانستیم.

در این قسمت نیز به الگوهای مثبت می پردازیم تا جایگاه رفتاری خود را در آینه «کلّ یوم عاشورا و کلّ ارض کربلا» بهتر ببینیم.

## \* الگوهای مثبت (زنان)

یکی از ویژگی های مهم عاشورا،

عون نیز همراه او در کاروان امام علیه السلام بودند و روز عاشورا به شهادت رسیدند.

صابره کربلا محرم اسرار امامت بود و از حوادث آینده خبر داشت. در یکی از منازل بین راه به نام «خُزیمیه» به امام حسین علیه السلام خبر داد که هاتفی به او از سرنوشت کاروان، شهادت یاران و مصیبت‌های آینده خبر داده است. امام در جواب او فرمود: «یا اختاه! کلّ الذی قضی فهو کائن؛<sup>۱</sup>

ای خواهر! هر آنچه که خدا مقدر کرده، محقق خواهد شد.»

امام سجاد علیه السلام نقل می‌کند: «شب عاشورا شنیدم پدرم در حالی که شمشیر خود را آماده می‌کرد. اشعاری در بی‌وفایی دنیا زمزمه و تکرار می‌کرد. وقتی متوجه منظور ایشان شدم، بغض گلویم را گرفت اما عمه‌ام زینب علیه السلام طاقت نیاورد و با نگرانی فرمود: «واثکلاه! لیت الموت اعدمنی الحیاة، الیوم ماتت امی فاطمه و ابی علی و اخی الحسن؛

وای از این مصیبت سنگین! کاش، چنگال مرگ برنده زندگی را نابود می‌کرد. امروز دوباره مرگ مادر، پدر و برادرم تکرار شد.» امام حسین علیه السلام او را دل‌داری

جلوه‌های ایثار را در طول تاریخ به نمایش گذاشتند و الگوی اهل ایمان شدند. اینک به بعضی از آنان اشاره می‌کنیم:

### \* زینب کبری علیه السلام، الگوی صابران

او فرزند علی علیه السلام و فاطمه علیه السلام است و مقامی بس والا دارد. القابی همچون «عقیله» بنی هاشم، «عارفه»، «عالمه»، «کامله» و «عابده» نشانگر شخصیت الهی این بانوی بزرگ است.

او از جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله پدرش امیرالمؤمنین علیه السلام و مادرش فاطمه زهرا علیه السلام حدیث روایت کرده و بانویی است دارای قوت قلب، فصاحت زبان، شجاعت و...

زینب کبری علیه السلام همواره مورد احترام امام حسین علیه السلام بود و از آغاز تا انجام قیام عاشورا همراه آن حضرت مسؤولیت سرپرستی اهل بیت علیهم السلام، بانوان و کودکان را به عهده داشت و در کنار امام سجاد علیه السلام پرچم پیام‌رسانی خون شهدا را در دست داشت.

این بانوی بزرگ هم دختر شهید، هم خواهر شهید، هم مادر شهید و هم عمه شهید است. دو فرزند او به نام محمد و

با اهل خیام بود که باز همگی از طرف  
امام علیه السلام مأمور به صبر شدند.

هنگامی که «ذوالجناح» خیر شهادت  
سیدالشهداء علیه السلام را به خیمه گاه آورد اهل  
حرم به سوی قتلگاه روانه شدند. زینب  
کبری علیه السلام با دیدن صحنه گودال فریاد زد:  
وامحمدا! واعلیا! هذا حسین بالعرء  
صریح بکربلا لیت السماء اطبقت علی  
الارض ولیت الجبال تدکدکت علی السهل  
با این جملات در حالی که امام در حال  
جان دادن بود خود را به پیکر برادر نزدیک  
کرد و عمر سعد با گروهی خود را به گودال  
قتلگاه نزدیک می کردند.

«عقیله بنی هاشم» فریاد کشید:

«وای بر شما. آیا مسلمانی بین شما

نیست؟»

اما کسی پاسخ او را نداد و عمر سعد به  
سپاهیان خود دستور داد کار حسین علیه السلام را  
تمام کنند.

بانویی که شهادت دو فرزند، برادران و  
برادرزادگان و خویشان را به چشم خود  
دیده است، تازه رسالت سنگینی را به  
دوش خود احساس می کند. او باید  
برخیزد و بیرق شهدا را تا پایان راه با صبر  
و پایداری در دست گیرد.

داد و به صبر سفارش کرد و همه  
اهل بیت علیهم السلام از این صحنه گریستند. امام  
خطاب به آنان فرمود:

«یا اختاه! یا ام کلثوم! یا فاطمه! یا  
رباب! انظرن اذا قتلت فلا تشققن علی جیباً  
ولا تغمشن وجهاً ولا تقلن هجرأ!»<sup>۲</sup>

ای خواهر! ای ام کلثوم! ای فاطمه! ای  
رباب! متوجه باشید که وقتی من کشته  
شدم، گریبان ندرید و صورت نخرائید و  
سخن بیهوده مگویید.

نافع بن هلال می گوید:

وقتی امام حسین علیه السلام به خیمه زینب  
کبری علیه السلام وارد شد، شنیدم آن بانوی سترگ از  
حضرت، وضعیت روحی یاران را پرسید که  
آیا از ثبات و پایداری آنان اطمینان دارد؟

امام علیه السلام در پاسخ فرمود:

«والله لقد بلوتهم فما وجدت فیهم  
الاشوس الاقص یستأنسون بالمنیة دونی  
استیناس الطفل الی محالب امه»<sup>۳</sup>

سوگند به خدا آنان را آزمودم، در میان  
آنان احدی را نیافتم، مگر شجاعانی  
استوار که اشتیاق آنان به مرگ در رکاب من  
همچون انس کودک به سینه مادر است.

در دناک ترین صحنه برای بانوان، به  
ویژه زینب کبری علیه السلام لحظه وداع امام علیه السلام

بانویی ارجمند، سخنور و دانا بود. او را زینب صغرا نیز نامیده‌اند. وی همراه سیدالشهداء علیه السلام به کربلا آمد و پس از عاشورا در مسیر اسارت، با سخنانش به تبلیغ پیام شهدا پرداخت. یکی از مهم‌ترین کارهای این بانو هنگامی بود که کاروان اسرا به کوفه رسید. او در جمع انبوه حاضران پس از آن که همه را به سکوت واداشت، سخنرانی کرد و کوفیان را به خاطر کوتاهی در یاری امام حسین علیه السلام ملامت کرد. خطبه آتشین او چنان مؤثر افتاد که همگان گریستند و زنان گریه‌کنان صورت خراشیدند و...<sup>۶</sup> هنگام ورود اسرا به شام نیز ام‌کلثوم علیها السلام شمر را طلبید و از او خواست که آنان را از دروازه‌ای وارد کند که اجتماع کمتری باشد و سرهای شهدا را دورتر نگهدارند تا مردم به تماشای آنان پرداخته، کمتر به چهره اهل بیت پیامبر علیهم السلام نگاه کنند. شمر دقیقاً بر خلاف خواسته او عمل کرد و اسیران را از دروازه ساعات وارد دمشق کرد.<sup>۷</sup>

این بانوی بزرگ علیها السلام در ایام حضور در دمشق نیز هرگز از بیان حقایق و افشای جنایات امویان کوتاهی نکرد. پس از بازگشت اهل بیت امام حسین علیه السلام به

شام غریبان، حرکت از قتلگاه و حوادث مسیر اسارت هر کدام به تنهایی برای زمین‌گیر شدن قوی‌ترین مردان کفایت می‌کرد اما زینب علیها السلام بزرگ‌تر و استوارتر از آن بود که با سیل سهمگین طوفان‌های بلا بر خود بلرزد.

زینب کبری علیها السلام با این که دلخراش‌ترین صحنه‌ها را دید اما در هر فرصتی پیام عاشورا را با اقتدار و صلابت به گوش همگان می‌رساند. در مجلس یزید که همه چیز برای تحریف خون کربلا بیان فراهم شده بود خطبه آتشین<sup>۴</sup> او ورق را برگرداند و جو تبلیغاتی مسموم شامیان را چنان متحوّل ساخت که دشمن از نگهداری اسرای سرافراز در آن دیار احساس خطر می‌کند. او فاطمه‌ای بود در شام و زبان گویای علی علیه السلام بود در کوفه. او به حق، زینب بود، زینت پدر...

ما یار قدیم مشکلات و رنجیم

در سنگر صبر و در میان گنجیم

در حادثه‌های تلخ حال خود را

با صابره کربلا می‌سنجیم<sup>۵</sup>

### \* ام‌کلثوم علیها السلام؛ الگوی مبلغان

او همچون خواهرش زینب کبری علیها السلام

نامه‌ای از برنامه‌های معاویه در سب و لعن امیرالمؤمنین علیه السلام انتقاد کرد. این بانوی بزرگ از پیامبر صلی الله علیه و آله احادیثی نقل کرده و نزد اهل بیت علیهم السلام منزلتی عظیم داشته است.<sup>۹</sup> او از رسول خدا صلی الله علیه و آله ماجرای کربلا و شهادت امام حسین علیه السلام را شنیده بود و هنگام خروج امام علیه السلام از مدینه به حضرت چنین اظهار داشت:

«یا بنی! لا تحزنی بخروجك الى العراق فانی سمعت جدك يقول: «یقتل ولدی الحسین بارض العراق فی ارض یقال لها کربلا»<sup>۱۰</sup>

ای فرزندم! مرا با رفتنت به سوی عراق محزون مکن، من از جدت شنیدم که می فرمود: فرزندم حسین در زمین عراق به شهادت می رسد. زمینی که به آن کربلا گفته می شود.»

امام در پاسخ وی چنین فرمود:

«یا امّاه! وانا والله اعلم ذلك وانی مقتول لامحاله ولیس لی من هذا بدّ وانی والله لاعرف الیوم الذی اقتل فیهِ واعرف من یقتلنی و...»<sup>۱۱</sup>

ای مادر! و من به خدا سوگند این را می دانم و اینکه به ناچار در کجا کشته می شوم و چاره‌ای از آن ندارم. به خدا

مدینه، وی نیز از کسانی بود که گزارش سفر خونین را در قالب شعر به مردم داد.

مدینه جدنا لاتقبلینا

فبالحسرات والاحزان جئنا

خرجنا منك بالاهلین طراً

رجعنا لارجال ولا بتینا<sup>۸</sup>

ای شهر جد ما! ما را نپذیر زیرا ما حسرت‌ها و حزن‌ها آورده‌ایم. در حالی از تو بیرون رفتیم که همه اهل بیت با ما بودند. اما اکنون که برگشته‌ایم، مردان و پسران بین ما نیستند.»

### \* ام سلمه: الگوی پیر زنان

او همسر گرامی رسول خدا صلی الله علیه و آله و از سابقین در اسلام و از مهاجرین به حبشه بود و از زنان خردمند عصر خویش به شمار می رفت. نامش هند بود و شوهر او سلمه در جنگ احد مجروح و سپس شهید شد. پیش از جنگ احزاب به همسری پیامبر صلی الله علیه و آله درآمد و سرپرستی فاطمه زهرا علیها السلام را به عهده گرفت. وقتی امام حسین علیه السلام به دنیا آمد، عهده‌دار نگهداری او شد.

ام سلمه پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله همواره هوادار اهل بیت علیهم السلام و سال‌ها بعد، از مخالفان سرسخت معاویه بود و طی

نسبت به فرزندان حضرت زهرا علیها السلام بسیار مهربان بود. ثمره ازدواج او با علی علیه السلام چهار فرزند پسر به نام‌های عباس، جعفر، عبدالله و عثمان بود که هر چهار فرزندش روز عاشورا در رکاب سیدالشهداء علیه السلام به شهادت رسیدند.<sup>۱۴</sup>

«ام‌البنین» پس از شهادت فرزندانش همه‌روزه به بقیع می‌رفت و بچه‌های عباس را نیز به همراه می‌برد و به یاد فرزندان شهیدش مرثیه و نوحه می‌خواند. زنان مدینه نیز باندبه و نوحه سوزناک او جمع می‌شدند و می‌گریستند. اشعاری هم درباره عباس سروده بود. وقتی زنان مدینه به وی تسلیت می‌گفتند، می‌گفت: دیگر مرا «ام‌البنین» خطاب نکنید. چرا که امروز دیگر آن فرزندانم نیستند و شهید شده‌اند.<sup>۱۵</sup>

«لاتدعوتی ویک ام البنین

تذکرینی بلیوث العرین

کانت بنون لی أَدعی بهم

والیوم اصبحت ولا من بنین:

مرا دیگر ام البنین نخوانید. مرا به یاد

شیران شکست ناپذیر می‌اندازد.

من فرزندانم داشتم که به اعتبار آنان صدا

می‌شدم اما امروز از پسرانم خبری نیست.»

سوگند روزی را که در آن کشته می‌شوم و کسی را که مرا می‌کشد می‌دانم.»

ام سلمه ادامه داد که رسول خدا صلی الله علیه و آله مقداری از خاک کربلا به وی داده است و به او فرموده است که هرگاه این خاک به خون تبدیل شد، بدان فرزندم حسین کشته شده است.

ایشان می‌گوید: بعد از ظهر عاشورا به خاک نگرستم، دیدم از آن خون می‌جوشد. دانستم که حسین علیه السلام به شهادت رسیده است.<sup>۱۲</sup>

پس از واقعه کربلا وی در مدینه برای شهیدان عزاداری می‌کرد و بنی‌هاشم به تعزیت و تسلیت‌گویی او - که تنها بازمانده پیامبر صلی الله علیه و آله بود - می‌رفتند. وی در سن ۸۴ سالگی رحلت کرد.<sup>۱۳</sup>

### \* ام‌البنین: الگوی مادران

#### شهید

وی همسر امیرالمؤمنین علیه السلام است که پس از شهادت حضرت فاطمه علیها السلام به معرفی عقیل به همسری علی علیه السلام درآمد. نامش فاطمه «فاطمه بنت خرام» از قبیله «بنی کلاب» و خواهر «لبید» شاعر بود. زنی با شرافت، از خانواده‌ای دلاور بود. او

## \* ام خلف و ام وهب: الگوهای همسران شهید

«ام خلف» همسر «مسلم بن عوسجه» از زنان شیعه و از یاران حضرت سیدالشهداء علیه السلام بود. پس از شهادت «مسلم» پسرش «خلف» آماده جنگ شد. امام حسین علیه السلام از او خواست که به سرپرستی مادرش بپردازد. ولی مادرش او را تشویق به جنگ کرد و گفت: «جز با یاری پسر پیغمبر صلی الله علیه و آله از تو راضی نخواهم شد.» «خلف» پس از نبردی دلیرانه به شهادت رسید. پس از شهادتش سر او را به طرف مادرش پرتاب کردند. او هم سر را برداشته، بوسید و گریست. «ام وهب» همسر «عبدالله بن عمیر کلبی» از طائفه «بنی علیم» بود. چون شوهرش تصمیم گرفت از کوفه به یاری امام حسین علیه السلام بیرون آید، ام وهب نیز اصرار کرد تا او را هم با خود ببرد. شبانه به یاران امام در کربلا پیوستند. <sup>۱۶</sup>

روز عاشورا وقتی شوهرش به میدان رفت، او نیز چوبی به دست گرفت و به میدان شتافت ولی امام حسین علیه السلام مانع او شد و فرمود: «بر زنان جهاد نیست.» اما پس از شهادت شوهرش به بالین او رفت و صورت او را پاک می کرد که شمر غلامی را

به سراغ او فرستاد. آن غلام با گریزی بر سر آن زن کوبید و او را شهید کرد. <sup>۱۷</sup>

## \* سکینه و رقیه علیهما السلام: الگوهای دختران شهید

سکینه علیها السلام خواهر حضرت «علی اصغر» همراه سایر زنان و دختران در کربلا حضور داشت. نام اصلی او آمنه و امینه و... است و لقب سکینه را مادرش «رباب» به او داده. وقتی امام حسین علیه السلام برای آخرین وداع به خیمه گاه آمد. سکینه علیها السلام شدیداً گریه می کرد. امام او را به سینه چسباند و میان چشمانش را بوسه زد؛ اشک هایش را پاک کرد و با محبت زیاد او را ساکت کرد. <sup>۱۸</sup> و اشعاری را با او زمزمه کرد که مطلع آن چنین است.

سیطول بعدی یا سکینه فاعلمی

منك البكاء اذا لحمام دهانی؛ <sup>۱۹</sup>

ای سکینه! بدان که بعد از من گریه های طولانی خواهی داشت، آنگاه که مرگ من فرا برسد.»

امام وقتی با آنان و دختران خداحافظی کرد، به پدر عرض کرد:

«یا ابت استسلمت للموت؟»

ای پدر! آیا تسلیم مرگ شده ای؟»

خبر به یزید رسید. به دستور او سر مطهر امام حسین علیه السلام را نزد او بردند. او از این منظره بیشتر ناراحت و رنجور شد و همان روزها در خرابه شام جان داد. خردسالی این دختر و عواطفی که نام و یادش و کیفیت جان دادنش و مدفن او برمی انگیزد، شگفت انگیز است و شیعیان به او علاقه خاصی دارند.<sup>۲۱</sup>

امام حسین علیه السلام فرمود:  
 «کیف لا یتسلم من لا ناصر له و لا معین؛  
 چگونه کسی که یار و کمکی ندارد،  
 تسلیم مرگ نشود؟»  
 سکینه به پدرش پیشنهاد کرد:  
 «یا ابا! ردنا الی حرم جدنا...»  
 ای پدر! ما را به حرم جدمان برگردان.  
 امام پاسخ داد: «هیها تلو ترک القطا

### \* پی نوشتها:

- ۱- مرقم، مقتل الحسین علیه السلام، ص ۱۷۶.
- ۲- همان، ص ۲۱۸.
- ۳- همان، ص ۲۱۹.
- ۴- همان، ص ۳۵۷.
- ۵- نگارنده.
- ۶- مرقم، مقتل الحسین علیه السلام، ص ۲۱۶.
- ۷- همان، ص ۳۴۷.
- ۸- همان، ص ۳۷۵.
- ۹- جواد محدثی، فرهنگ عاشورا، ص ۵۸.
- ۱۰- موسوعة کلمات الامام الحسین، ص ۱۹۲.
- ۱۱- همان.
- ۱۲- همان، ص ۱۹۳.
- ۱۳- جواد محدثی، فرهنگ عاشورا، ص ۵۹.
- ۱۴- همان، ص ۵۵.
- ۱۵- همان.
- ۱۶- همان، ص ۵۷.
- ۱۷- همان، ص ۶۰.
- ۱۸- همان، ص ۴۹۱.
- ۱۹- موسوعة کلمات الامام الحسین علیه السلام، ص ۴۹۰.
- ۲۰- همان، ص ۴۹۰.
- ۲۱- جواد محدثی، فرهنگ عاشورا، ص ۱۸۵.

نام؛

هرگز ممکن نیست. اگر پرنده قطا به حال خود رها می شد، آرام می خوابید.»  
 زنان با شنیدن سخن امام گریه سر دادند و امام آنان را ساکت کرد و به دشمن حمله کرد.<sup>۲۰</sup>  
 حضرت سکینه علیه السلام در علم و معرفت و ادب، کم نظیر بود و همواره مورد توجه امام حسین علیه السلام بود.

### \* حضرت رقیه علیه السلام:

«دختر سه چهار ساله ابا عبد الله الحسین علیه السلام که در سفر کربلا همراه اسرای اهل بیت علیهم السلام بود. در شام شبی پدر را به خواب دید و پس از بیدار شدن بسیار گریست؛ بی تابی کرد و پدر را خواست.